

آلات موسیقی قدیم ایران

و دیگر کشورهای خاورمیانه

از دکتر مهدی فروغ

راجع سازهائی که از قدیم در ایران و سایر کشورهای خاور میانه معمول و متداول بوده با وجود منابع نسبتاً معتنا بهی که هست تا کنون از طرف ایرانیان تحقیقات کافی بعمل نیامده است. نام بسیاری از این سازها هنوز در افواه است و طرز ساختمان و نحوه نواختن اغلب آنها را نیز در کتابهائی که در دوره سلطه و اقتدار دولتهای اسلامی نوشته شده است میتوان یافت. ولی از آنجا که کتابهائی مزبور عموماً بزبان عربی و اغلب کمیاب است تحقیق درباره مسائل مربوط به موسیقی بطور کلی برای محققان ایرانی و فارسی زبان خالی از اشکال نیست زیرا محققان که بخواهد در این خصوص پژوهش کند باید بطور مسلم هم بعلم موسیقی مشرق و اصول و فرضیات و تعبیرات و اصطلاحات آن آشنا باشد و هم در زبان عربی تبحر و ممارست کافی داشته باشد و این هر دو شرط در یک نفر البته بندرت جمع میشود.

ضمن تحقیقات و مطالعاتی که نویسنده این مقاله طی بیست ساله گذشته درباره موسیقی ایران بالاخص و موسیقی کشورهای اسلامی بطور اعم بعمل آورده بنام سازهائی برخورد کرده است که بسیاری از آنها فعلاً یا فراموش شده و اطلاع دقیقی راجع بشکل و هیئت آنها در دست نیست و یا اگر هست بقدری ناقص است که شخص مجبور میشود متوسل به حدس و احتمال گردد.

اینک محض اطلاع خوانندگان نام سازهائی را که در ادوار مختلف تاریخ اسلام در کتابهای فلسفی و تاریخی میتوان یافت ذکر میکنیم :

بربط، عود، شاهین، کناره، کوبه، رود، ارغنون، کوس، سنج، رباب، کبر، غربال، دف، چنک، چنگرک، مزهر (نوعی بربط)، اصف، مزمار، مغرف (نوعی سنتور)، بوق، نای، سر نای، کر نای، مصافق (مصفقه)، کران، کیشار، عیر، طنبور، شبابه، صفاره، شیزان، سفاقس، عرطبه، طبل، دهل، قصابه (نوعی فلوت)، غرف، درای، زنک، جرس، فنجان ساز، طاسات، کاسات، زل، چغانه، چهارپاره (چالپاره)، شانه، دایره، قدوم، دنیک (دنبلك یا دمبرك)، نیچه، سپیدنای، سیاه نای، نی انبان، طوطک، موسیقار، صفیر (سوت سوتک)، شیپور، سنتور، قانون، مشته چین، نفیر، شاخ، تار، ساز، کمانچه، شش خانه، یکتار، دوتار، سه تار، چهارتار، شش تار، چگور، گاودم، دمامه، تقاره، روئین خم، کنگره، جفت ساز، راست ساز، یک و نیم ساز، قوال، دودک، شیشک - (شیزک)، جلاجل، ناقوس، قیتاره، مربع و غیره...

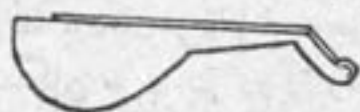


شوشکا، علامه آستان مطالعات فرنگی
عود شرقی قدیمی

چنانکه مشاهده میشود اسامی این سازها بعضی منحصر در زبان فارسی و برخی منحصر در زبان عربی و بقیه منحصر در زبان ترکی است و معادل آنها در زبان دیگر نمیتوان یافت ولی بعضی از آنها در زبانهای سه گانه مشترك میباشد و همین مسئله کار محقق را مشکل میسازد. علاوه بر این در مواردی ملاحظه میشود که یک ساز در یک زبان چندین نام مختلف دارد. اینهم بر اشکال تحقیق افزوده است. مثلا بعضی از نویسندگان مزهر را نام دیگری برای عود ذکر کرده اند در صورتیکه بعضی دیگر آنرا ساز کاملا جدا گانه ای شناخته اند و عده ای هم آنرا نوعی از سازهای ضربی از قبیل طبل یا دنیک دانسته اند در حالیکه در نظر عده ای دیگر وجودسیم (اوتار) در

این ساز محقق بوده است . (مزره با زیر و زیر هر دو ضبط شده است .)
 سازهایی نیز هست که جز اسم چیزی از آنها باقی نیست مثلاً شاهین در ردیف
 آلات موسیقی ذکر شده اما راجع بشکل و هیئت و طرز نواختن آن توضیح
 کافی داده نشده است ولی چون نام این ساز اغلب دنبال طبل آمده روی
 قرائن و امارات میتوان احتمال داد که نوعی از سازهای بادی از قبیل سرنا
 بوده است .

با اینوصف سازهایی هست که پس از تحقیق میتوان بقسمت اعظم
 کیفیات ساختمانی و جنس و آهنگ و دامنه صدای آن آگاهی یافت و ما سعی
 میکنیم تا آنجا که وسیله و مدرک در اختیار داشته و داریم مطالبی راجع به
 سازهای مختلف در این مجله در اختیار علاقمندان بگذاریم .



عود فرنگی

بربط و عود

متداولترین و مهمترین سازها در دوره های گذشته تاریخ ایران و عرب
 بربط و عود بوده است از اینجهت ما تحقیقات خود را با این ساز شروع
 میکنیم . اهمیت بربط در ایران با اندازه ای بوده است که بعضی از محققان
 این ساز را در ایران معادل « لیر » در یونان قدیم دانسته اند . بربط برخلاف
 بسیاری از سازهای تفننی که فقط مورد علاقه عده بخصوصی بوده ابزار کار
 و وسیله استفاده نوازندگان معروف بوده و در طرز ساختمان و جنس چوب و
 اوتار آن دقت فراوان بعمل آمده و بیش از هر ساز دیگر راجع بآن بحث و
 تحقیق شده است . بقدری ساز مزبور در نظر اهل فن و طالبان فضل و صاحبان
 ذوق و معرفت ارج و منزلت داشته است که ابن یونس ریاضی دان بزرگ
 عرب هزار سال پیش کتاب جامعی درباره کیفیت ساختمان و حالت صدا و طرز
 نواختن آن تحت عنوان « کتاب العقود و السعود فی اوصاف العود » تصنیف
 کرده است که قسمتهایی از آن در « نهایه العرب » ضبط شده است .

با این وصف راجع بتعداد اوتار و محل نصب دستانها (پرده ها) و
 بسیاری از مسائل دیگر آن نکات مبهمی باقی است که شاید در سایه تحقیقات
 بیشتر بتوان این نکات مبهم را روشن کرد .

تحقیق درباره این ساز محققاً برای اثبات و تعیین میزان ذوق و فرهنگ

مردم مشرق اهمیت بسزایی دارد زیرا مسلم است که مردم اروپا این ساز را از مشرق زمین گرفته‌اند و کلمه «لوت» (Luth) که تلفظ تحریف شده «العود» است مؤید این مطلب می‌باشد.



عود عربی

وجه تسمیه

دو نام بر بربط و عود در بسیاری از کتابهای عربی و فارسی توأماً ضبط شده و مسلم است که دو ساز مزبور از لحاظ شکل کلی مشابه یکدیگر بوده‌اند جز اینکه کلمه بربط بین فارسی‌زبانان و عود بین ملت‌های عرب مصطلح بوده است. اغلب نویسندگان عرب نیز در آثار خود بربط را ذکر کرده‌اند مثلاً حسن بن ثابت ضمن بیان شرح مفصلی که راجع بتاریخ سلطنت شاهان قسار و عظمت و جلال دربار سلاطین این سلسله اظهار میدارد مینویسد خوانندگان و نوازندگان از اطراف و اکناف یعنی از ایران و الحیره و مکه و ارض الروم بدربار این سلاطین جمع میشدند و دسته جمعی بطور سؤال و جواب میخواندند و بربط مینواختند. این نویسنده همچنین توضیح میدهد که خوانندگان مزبور آوازه‌های خود را ابتدا بزبان و لهجه مخصوص محلی خود میخواندند یعنی بفارسی یا یونانی ولی بتدریج کلمات عربی را بجای کلمات زبان خود بکار بردند و نخستین کسی که در خواندن این آوازه‌ها کلمات عربی بکار برد طویس نامی بود که راجع باو بعدها مفصلاً صحبت خواهیم کرد. ابن سینا نیز در کتاب شفا وقتی راجع بپرده بندی بربط صحبت می‌کند میگوید: «الالات علی اقسام فمئها ذوات اوتار و دستاین ینقر علیها کالبربط و الطنبور» (۱)

چنانکه تذکره‌های بربط و عود شباهت تامی بیکدیگر داشته است با این تفاوت که روی شکم بربط از چوب پوشیده بوده و روی شکم عود از پوست و تا آن موقع آنرا مزهر مینامیدند ولی بعدها بربط از راه حیره به نقاط دیگر عربستان راه یافت و از آن بی‌عده کلمه عود که بمعنی چوب است برای نامیدن این ساز مصطلح شد. خواندن این ساز باین نام از این جهت بود که روی شکم کاملاً از چوب پوشیده شده بود.

۱- یعنی آلات موسیقی را اقسامی است. از جمله سازهایی که دارای اوتار (سیم) و دستان (پرده) است و آنها را با مضرب مینوازند مثل بربط و طنبور.

سازهای دیگر که شباهت به بربط داشته «کران» و «موتر» بوده است. ریشه و اصل کلمه کران معلوم نیست و احتمال داده اند از کلمه عبری «کنور» مشتق شده باشد ولی «موتر» یعنی مطلق ساززهی و بسازی شبیه عود نیز اطلاق میشده است که آنرا عموماً با شست مینواخته اند. کلمه بربط چنانکه در اغلب کتابهای فرهنگ فارسی نوشته شده از دو کلمه «بر» بمعنای پهلو و «بط» بمعنای اردک ترکیب شده است زیرا سازمزبور بشکل پهلوی اردک بوده است. یونانیها این ساز و نام آنرا از ایرانیان اقتباس کردند و آن را باریتوس Barbitos نامیدند. باستناد آنچه در کتاب شفای ابن سینا در این باره ذکر شده و قبلاً اشاره کردیم دو کلمه بربط و عود بطور متوالی و مترادف ذکر شده و این میرساند که از قرن سوم هجری بعد این دو ساز شباهت تامی بیکدیگر داشته است.

آنچه شایسته کمال توجه میباشد اینستکه بنا بر اظهارات مصنف کتاب اغانی در حوالی سال ۶۵ هجری قمری عبدالله بن زبیر کارگران ایرانی را برای تعمیرخانه کعبه استخدام کرد و ابن سریج نامی، از صاحب ذوقان عرب نواختن «عود فارسی» را از ایشان فرا گرفت و او اولین کسی بوده است که در مکه الحان عربی را با این ساز مینواخته است.

طرز پرده بندی بربط و عود از جمله مسائل بسیار درهم و تحقیق در باره آن بی اندازه مشکل میباشد. بزرگان علما و فلاسفه هر کدام راجع به پرده بندی این ساز نظر بخصوصی داده اند که با نظر و عقیده دیگران متفاوت است.

ابن سینا در کتاب شفا مخصوصاً قید میکند که مشهور ترین و متداول ترین سازها بربط بوده است (۱) پس از این بیان ابن سینا بشرح پرده بندی و نسبت فواصل بین پرده های آن صحبت میکند و وقتی میخواهد بشرح فواصل این ساز بپردازد آن را عود مینامد (۲) و این دلیلی کافی است برای اثبات شباهت بین بربط و عود. بی مناسبت نیست آنچه ابن سینا راجع بفواصل بین پرده های این ساز و نسبت بین آنها بیان میکند در اینجا ذکر کنیم. شیخ الرئیس میگوید که بین خرك و شیطانك در فاصله

۱ - « المشهور المتداول المقدم عند جمهور هوا البربط . »

۲ - « فنقول ان العدد قد قسم ما بین ... »

يك چهارم كل طول سيم پرده ای بسته میشود كه مختص انگشت كوچك میباشد بنا بر این بين دست باز وانگشت كوچك يك فاصله $\frac{1}{4}$ میباشد . بعد طول سيم را به ۹ قسمت مساوی تقسیم میکنیم و فاصله ای معادل يك نهم طول سيم از شیطانك جدا میکنیم و آنجا پرده ای می بندیم برای انگشت سبابه . بنا بر این بين دست باز وانگشت سبابه فاصله هشت نهم خواهیم داشت و این فاصله طنینی است . سپس از این پرده سبابه بسمت خرك پرده دیگری بفاصله $\frac{8}{9}$ جدا میکنیم و بر آن پرده دیگری میندیم برای انگشت بنصر . بنا بر این از مطلق تا سبابه عبارت است از يك پرده كامل و از سبابه تا بنصر نیز يك پرده كامل خواهد بود . بين انگشت های بنصر و خنصر (انگشت كوچك) فاصله ایست كه آنرا بقیه مینامیم . این ترتیب را «جنس طنینی» (Diatonic) میخوانیم . بعد فاصله بين پرده انگشت كوچك و شیطانك را بهشت قسمت تقسیم میکنیم و بقدر یکی از این تقسیمات از پرده انگشت كوچك بسمت شیطانك جدا میکنیم و پرده ای می بندیم كه آنرا پرده وسطای قدیم ایران مینامند . فاصله بين این پرده و پرده انگشت بنصر نیم پرده بزرگ خواهد بود و فاصله بين همین پرده وانگشت سبابه يك پرده كامل .

پرده دیگری برای انگشت وسطی درست وسط پرده انگشت اول وانگشت چهارم میندند بنام «زلزلیه» . این پرده چندان ثابت نبوده و هنگام كوك ساز برای لحنهای بخصوص تغییر میکرده است .



عود ترکی